



زاده (Israel Lee Strasberg): اسرائیل لی استراسبرگ (به انگلیسی
۱۷ نوامبر ۱۹۰۱ در بودزانوف - درگذشته ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ در نیویورک) یکی
از هنرپیشگان آمریکایی یهودی تبار و از کارگردانان، تهیه کنندگان و
آموزگاران بازیگری بود. وی در ایالات متحده به عنوان مهم ترین پیش برنده
.بازیگری متد معروف است.

لی استراسبرگ در سال ۱۹۵۱ هنگامی که مدیر هنری اکتورز استودیو شد
.روش بازیگری متد را در آمریکا تثبیت کرد.

هدایت بازی ال پاچینو در فیلم پدر خوانده ۲ به عهده ی او بود و پاچینو نیز
اسکار خود را که برای بازی در بوی خوش زن دریافت کرده بود را به لی
استراسبرگ تقدیم کرد. استراسبرگ در ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ به علت سکتهٔ قلبی
.در نیویورک در گذشت

لی استراسبرگ تحت تاثیر استانیسلاوسکی ” و واقع گرایی خیال پردازی اوژن
واختانگوف و اکتورز استودیو را به کارخانهٔ بازیگرسازی عظیمی تبدیل

کرد که ثمرات و محصولات این کارخانه در نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم تأثیرات زیادی داشتند.

آموزش‌های لی استراسبرگ، بر پایه تنش‌زدایی ذهنی و عضلانی است و این توانایی را به بازیگران نوظهور داده‌بود تا با فارغ شدن از تنش‌های روزمرهٔ [زندگی واقعی خودشان، پذیرای تنش‌های روانی و جسمی نقششان شوند].^۱

وی شاگردان بسیاری را در مکتب خود تعلیم داد و آنها را به هالیوود و سینمای دنیا معرفی کرد که می‌توان از میان مهم‌ترین آنها به آن بنکرافت، داستین هافمن، مونتگومری کلیفت، جک نیکلسون، جیمز دین، مریلین مونرو، جین هاکمن، جولی هریس، پل نیومن، الن برستین، مارلون براندو، آل پاچینو، [رابرت دنیرو و کارگردان الیا کازان اشاره کرد].^۲

نوعی سبک بازیگری (Method acting: بازیگری مُتد) (به انگلیسی است که در آن هنرمند خود را به جای کاراکتر داستان قرار می‌دهد و مدتی با آن زندگی می‌کند.

ابتدا «گروپ تیترا» که گروهی تئاتری در نیویورک بود، در دهه ۳۰ میلادی، «متد» را محبوب کرد و پس از آن در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ متد اکتینگ توسط لی استراسبرگ در «اکتورز استودیو» پیشرفت داده شد

او در پست‌های متعددی نظیر منشی صحنه و... فعالیت کرد تا موفق شد یک گروه تئاتر را تاسیس کند و برای وسعت کار گروه، مسئولیت تعلیم هنرپیشه‌ها را به عهده گرفت. استراس برگ با توجه به اصول نمایش تاریخی استانیسلاوسکی هنرپیشه‌های زیادی را تعلیم داد که هریک بعدها از ناموران هنر شدند. وی موفق شد با تعلیم گروه‌اش، عوامل تکنیکی حرفه‌ی خود را با مسائل معنوی و احساسی همراه کند.

کتاب حاضر از 2 بخش تشکیل شده است. بخش نخست به سابقه و پیشینه‌ی لی استراس برگ اختصاص دارد. و در بخش دوم به آموزش هنرپیشه در هفت فصل پرداخته شده است.

کتاب با یک ضمیمه همراه است که مطالبی را در خصوص اعمال اولیه، تعیین نقش، طرح و برنامه‌ی تولید، آموزش بازیگری حرفه‌ای، یادداشت‌های استراس برگ درباره‌ی کارگردان و... دربرمی‌گیرد. نوشته‌هایی که به این شکل ارائه می‌شوند به حد کفایت و گام به گام درباره روش‌های تدریس استراسبرگ

توضیح نداده، یا شیوه‌های مورد استفاده (به اشکال مختلف) را توصیف نکرده است. این روش راهنمایی برای کشف مسیر هنرپیشه‌ها و کارگردان‌هاست تا آنچه را به کار می‌آید، به ایشان بنمایاند

لی استراسبرگ تحت تاثیر استانیسلاوسکی و رئالیزم فانتزی اوژن و اختانگوف اکتورز استودیو را به کارخانه‌ی ستاره‌سازیِ عظیمی تبدیل کرد که ثمرات و محصولات این کارخانه ، سراسر نیمه‌ی دوم قرن بیستم را فتح کردند . مقبولیت بازیگران تربیت شده در اکتورز استودیو به شیوه‌ی متد ، می‌توانست نتیجه‌ی تغییر نگرش قهرمان پرورانه و اسطوره پردازانه‌ی فرهنگ عامه‌ی آمریکایی هم باشد . اگر در دهه‌های 1930 و 1940 ، اکثر سینما روه‌ای امریکایی ایده آل‌های اسطوره‌ای خود را در قامت قهرمانان خوش پوش و اتوکشیده‌ای که مواضع اخلاقی مشخص و صریحی داشتند جستجو می‌کردند بعد از دهه‌ی ۵۰ و به خصوص با شروع دهه 1960 ، تناقضات پیش آمده در جامعه‌ی مدرن آمریکایی ، تردید جامعه‌ی جدید به حقانیت قوانین و مقررات اجتماعی وضع شده ، شکل‌گیری هیپیزم با نسلی از جوانان شیفته‌ی شلوار جین و موسیقی راک که شکاف عظیمی با پدران و مادرانشان داشتند ، مسائل جدید مطرح شده حوزه‌ی اخلاقیات چون همجنس

گرائی ، مواد مخدر ، بی اهمیت شدن ساختار خانواده (رویای امریکائی) برای نسل جدید و ... همه وهمه دست به دست هم دادند تا الگوی قهرمان امریکایی در نظر عامه‌ی مردم با تغییری بنیادی روبرو شود. اگر در دهه‌های 1930 و 1940 جان وین ، گری کوپر ، جیمز استیوارت ، هنری فوندا و همفری بوگارت ، ایده آل‌های باشکوه و قهرمانانی پایبند به نظم و اخلاقیات اجتماعی بودند - در قامت پرشکوه یک اسطوره‌ی بی‌نقص که تمام الگوهای اخلاقی - اجتماعی تثبیت شده‌ی جامعه‌ی کلاسیک آمریکایی را پذیرفته است - در این سال‌ها با تغییرات گسترده فرهنگی در جامعه‌ی آمریکایی ، تمایل به نوعی رئالیزم بدون جنبه‌های آرمان‌گرایانه - که هم سو با نگرش اکتورز استودیو و بازیگری متد است - به تدریج موجب محبوبیت قهرمانان یاغی .مکتب اکتورز استودیو شد

مقبولیت گسترده بازیگران اکتورز استودیو و متد منجر شد تا قهرمانان جدیدی در سینما شکل یابند و نسل‌های بعدی خود را هم تحت تاثیر خود قرار دهند . نسل بعد بازیگران شیوه‌ی متد چون آل پاچینو ، رابرت دنیرو ، داستین هافمن ، مریل استریپ ، جین هاگمن ، آنتونی هاپکینز و ... با حفظ کردن روش‌های امتحان پس داده‌ی بازیگری متد و تطابق بیشتر با

زمانه‌ی خود ،و تبدیل شدن به غول‌های بی بدیل و دست نیافتنی سینماهای
سراسر دنیا ، بازیگری به شیوه‌ی متد را به عنوان درخشان‌ترین دستاورد
بازیگری سینما در قرن بیستم ، تثبیت کردند

در سه فیلم مهم دهه 1950 که با متد اکتینگ گره خورده‌اند – در بارانداز
(1954) ، شرق بهشت (1955) و شورش بی دلیل (1955) – گره
مرکزی فیلم دشواری قهرمانان یاغی است که می‌خواهند خود را در رابطه با
به اثبات برسانند. این تقابل در هر (Father figure) یک شمایل پدرانه
فیلم با مجموعه‌ای از صحنه‌های دراماتیک به تصویر کشیده می‌شود که در آن
مرد جوانی تلاش می‌کند تا الگوی مردی متفاوت از اسلاف خود را ارائه کند.
این صحنه‌ها از توان متد اکتینگ در برون ریختن احساسات و عواطفی کمک
می‌گیرند که معمولاً به عنوان واکنش‌های زنانه شناخته می‌شوند. گریه جیمز
دین در شورش بی دلیل دشواری قهرمان یاغی را در پیوند با نقش مردانه‌اش
برجسته می‌کند. در این میان فیلم در بارانداز فیلمی است که به طور گسترده
از تکنیک‌های متد اکتینگ بهره برده است. فیلمی به کارگردانی الیا کازان
که بسیار به اکتورز استودیو نزدیک است با بازی مارلون براندو که همواره به
عنوان یکی از نمادهای بازی متد در هالیوود شناخته می‌شود (هیرش ، 299،

مصاحبه با کازان ، 8) . وقتی در بارانداز ساخته شد براندو نه تنها صاحب جایزه اسکار شد بلکه عنوان برترین بازیگر هالیوود بین سال های 1954 تا 1955 را نیز به دست آورد. عنوانی که او تا سال 1971 و بازی در فیلم پدرخوانده هرگز دیگر نتوانست آن را به دست آورد.

او در فیلم به نقش تری مالوی ظاهر می شود. موقعیت خاص او با طرز صحبت کردنش مشخص شده و بداهه گویی های او در بیان دیالوگ ها او را از سایر شخصیت های فیلم جدا می کند. در صحنه ای ستایش شده از فیلم که تری دستکش های ادی را برانداز می کند دیالوگ های او به شکل کاملاً مشخصی ورای کنترل متن فیلمنامه قرار می گیرد. وقتی ادی می گوید که قصد دارد به کالج « سنت آن » برود تری می پرسد : « اونجا کجاست؟ » هنگامی که ادی در پاسخ می گوید : « تری تاون » او مجدداً می گوید « اونجا کجاست ؟ ...آه ...اونجا کجاست ؟ » و ادامه می دهد : « واسه چی می خوای بری اونجا.... فقط ...واسه چی ؟ ...درس بخونی ؟ » در بسیاری از صحنه ها براندو به این شکل با بداهه گوئی از تمام دیالوگ های طراحی شده اش می گریزد که نمونه دیگر آن صحنه معروف گفتگوی او با برادرش در اتوموبیل است. چنین استفاده ای از زبان حاوی باری از عقده هاست که شخصیت را به عنوان جزئی از یک جامعه

بی‌رحم به تصویر می‌کشد که لبریز از نوعی حس اسیری و بی‌پناهی است.
موقعیت براندو به عنوان هنرپیشه‌ای یاغی در هالیوود به خوبی همگام
یاغی‌گرایی‌هایش در تخطی از فیلمنامه‌ی نوشته شده قرار گرفته و به این ترتیب
این ایده استانیسلاوسکی که اجرای نقش بین شخصیت و بازیگر باید تقسیم
شود محقق می‌گردد. هر دو به دنبال تعریف هویت خود در تقابل با سیستم‌های
سخت و بسته‌ی مقتدر هستند